

# ریفورمها و حرکات تنظیم زراعتی در وادی هریرود و وادی دریای کابل

افغانستان قدیم در شرق و غرب دوساحه وسیع زراعتی داشت که بشمول ساحات دیگر شمالی و جنوبی و مرکزی بنیه کشاورزی این مملکت را تشکیل میداد، و هنگامیکه در تاریخ زراعت و آبیاری افغانستان مطالعه و کنجکاو می‌شود، این هر دو ساحه کشاورزی اهمیت بسزایی دارد.

وادیهایی پهناوری که از مجاری دریاها سیراب می‌شده و اراضی زراعتی را دارا بوده اند، از زمان قدیم در مراحل مختلف دوره های زندگانی انسانی یعنی کوچی گری و روستائینی با کشاورزی و شهرنشینی و بنای بلاد و مهاجرت‌های خورد و بزرگ، همواره اهمیت زیادی داشته، و انسانها در هرمرحله زندگی از تولیدات مراعی و مزارع آن استفاده می‌کرده اند.

تا جاییکه از مطالعه تاریخ برمی آید، این هر دو وادی وسیع شرقی و غربی مملکت ما در دوره های قبل تاریخ و بعد ازان که آریایان شمالی آنها بعد از مهاجرت آریانا ویجه، مسکن خود قراردادند، همواره مورد استفاده انسانی بوده و در کتب قدیم ویدا و اویستا نامهای آنها میبینیم، و حوادث مهم تاریخی و پیدایش پهلوانان و پادشاهان باستانی را درین وادیها مشاهده میکنیم.

وادی دریای کابل پیدایشگاه مدنیهایی کهن سال گندهارا و هنرگریکو بودیک و جولانگاه کابلشاهان بود، وادی هریرود نیز تاکنون یک ساحه بسیار مهم مدنی و زراعتی شمرده میشود، که دردوره اسلامی مدنیت و هنر تیموریان را پرورده است.

حرکت های مدنی و فرهنگی با پیشرفت سوئه زندگانی انسانی و طی کردن دوره های مختلف نشو و ارتقاء، تاحدی متوازی یکدیگر بوجود می آیند و ما می بینیم که حرکت تنظیم زراعتی در بین مردمان این وادی در یک زمان نزدیک باهم، وقتی دیده میشود، که هنر و اداره و دانش نیز پیش رفته است.

در قرن هفتم و هشتم هجری باوجود سبقت یغماگریهای چنگیزیان و کشتارهای متوالیکه در وادی هریرود و سایر نقاط خراسان روی داد، باز هم هرات مرکزیت سیاسی و مدنی خود را از دست نداد و شاهان آل کرت که از مردمان وطنخواه این سرزمین بودند، با سیاست ملایمت و مدارا توانستند، هرات را بعد از دیدن بسا ویرانها و قتل ها یعام، با همان مرکزیت سیاسی و ادبی و هنری خود زنده نگهدارند، و تخریبات مدهش چنگیزیان را درین سرزمین جبره کنند.

در حقیقت خلاقیت و قریحه زاینده مردم خراسان و هرات بود، که در عین جریان این یغما گریه‌های خرابکار، ابتکارهای سیاسی و اداری و مدنی را در دست داشتند، و شاهان خاندان کرت را که عناصر داخلی مذهب و شایسته‌ی بودند، یآوری کردند و وادی هرات را واپس آباد و معمور ساختند.

از کارهای بسیار مهم مدنی این عصر که بهمت شاهان دودمان کرت در هرات انجام یافته، تنظیم امور زراعتی و تقسیم آب هریرود و تحدید اراضی کشاورزیست، که آنرا در تاریخ آسیای میانه یک حرکت سالم، برای تنظیم زراعت و حیات کشاورزان شمرده می‌توانیم.

چنین بنظر می‌آید که با آغاز تهاجمات مغول، نظام کهن کشاورزی ساحة هریرود، که از مناطق معمور و پر نفوس خراسان بود از بین رفت، و مردمان آن قتل عام و یا فراری شدند، و شهرها و روستاها خالیماند، که سیفی هروی در تاریخ هرات و منهاج سراج جوزجانی در طبقات ناصری داستانهای این حوادث الیم را می‌آورند.

اما هنگامیکه هراتیان وطن خواه، مردان دلیر و مدبر خاندان کرت را یآوری نموده و باز هرات را معمور ساختند، روستاهای وسیع هریرود مسکون گشت، و حتی بقول سیفی هروی چون چنگیزیان زنده سری را درین وادی باقی نمانده بودند، مردم هرات بعد از فراهمی مجدد، آلات زراعتی و دراز دنبال (گاو) را از ولایات شرقی افغانستان خواستند.

معزالدین ملک حسین بن غیاث الدین محمد که از سنه ۷۳۰ تا ۷۷۱ هـ مدت چهل سال از همین خاندان کرت حکمرانی دشت، پادشاه دانشمند و دانش دوست مردم پروری بود، که در عصر او دهقانان و کشاورزان ساحة هریرود این وادی پهناور را باز آبادان و سرسبز ساختند، و تشکیلات اجتماعی کشاورزی را بوجود آوردند. و باین ترتیب مسئله تقسیم آب و مرد جوی و میرابانه بلوکات هریرود بوجود آمد، و در سنه ۷۳۳ هـ بود که این پادشاه به شیخ الاسلام نظام الدین عبدالرحیم خوافی - یکی از دانشمندان و پیشوایان مردم هرات - امر داد تا درباره تقسیم آب و امور زراعتی این وادی بطریق "مصالحه" که در تقنین اسلامی سوابقی داشت اقدام نماید و چنین بنظر می‌آید، که این ترتیب براساس نفوس و خاندانهای دهقانان و کشاورزان بنا یافته بود، و ملاکی‌های پندیده دران دخلی نداشت، الا زمین‌ها و روستاها و آسیا‌هایی که قبلاً در عصر سلطان غیاث الدین غوری برای وقف مسجد جامع و مدرسه غیاثیه هرات و دیگر مؤسسات عامه خریداری شده و عواید زراعتی آن بمصارف عامه میرسید.

در حدود ۹۲۱ یکی از دانشمندان هرات قاسم بن یوسف ابو نصر هروی کتابی بنام ارشاد الزراعه و رساله یی بنام "طریق قسمت آب از قلب" تالیف کرد که راجع بهمین تنظیم و اصلاح زراعتی وادی هرات

معلومات بسیار مفید و مغتنمی دارد فاضل هروی گوید:

"روزي جمعي از بزرگان حضرت ملك حسين، جهت سويتي آب مواضع جوي نو خيابان، به دادخوهي آمده بودند، که میان مزارعات قاعده مقرر چیست؟ و آب را هرکس میخواهد میبرد. سالار نام يکي از امراي خود را نزد جناب شيخ الاسلام مولانا نظام الدين عبدالرحيم مذکور- که بزرگ و مشار اليه و معتقد فيه و معتمد عليه زمان خود بود، و سخنان او نزد حکام و سلاطين، کالنص القاطع، فرستاد که اگر در میانه رعایاي بلوکات مذکوره قاعده و قانوني مقرر فرمایند که هرکس حقا به خود به راستي برد و میانه ایشان سويت مرعي باشد."

بدینطور شيخ الاسلام موصوف دساتير تقسيم آب و کشاورزي زمين را از روي عرف و رواج امور دهقاني فراهم آورده، و آنرا بطور يك دستور نامه يا قانون زراعتي و آبياري ترتيب داد، که هر قلب بر (۱۸) خانه مشتمل بود، و سه مرد جوي داشت، و جاي قلب و نتره بستن هم معین بود، و در بالا آب بر يك مرد جوي حقا به سه خانه و در میان آب شش خانه و در پایان آب هشت خانه مقرر بود، در حالیکه اندازه حقا به يك خانه در قلب به طول و عرض يك بند سرانگشت ابهام (مساوي پنج دانگ گره ذرع) معین شد وقاعدی برای قلب و نتره و اندازه اراضي مزروع بحساب مرد جوي و خانه ه ادر بالا جوي و میانه و پایان جوي مقرر گردید، و شرح آنرا خوشبختانه فاضل هروی در رساله خود نوشته است که در تاريخ زراعت ما سند سود مندی خواهد بود.

این بود حرکت تنظيم زراعتي که در امور دهقاني و آبياري هریرود روي داده بود، و اکنون ما بعد از همین عصر يك ريفورم دیگر اجتماعي را در وادي دريائي کابل و ماوراي خيبر در شرق مملکت مطالعه میکنیم:

نیم قرن بعد از حرکت تنظيم زراعتي وادي هرات در حدود ۸۰۰هـ قبایل یوسفزیهی بقیادت ملك احمد و پیشوایی شيخ ملي بن يوسف از وادیهای ارغسان قندهار کوچیده و براه کابل و ننگرهار به وادي وسیع مجرای دریای کابل در ماورای خیبر گذشتند. و این سرزمین را تا دریای سند و شمالاً تا سوات و باجور فتح کردند. این مردم از يك دوره زندگانی کوچی گری، به حیات کشاورزي آغاز نمودند و در پشاور و اشغر و سوابی تا سوات زمینهای زراعتي را که از دریای کابل و سوات سیراب میشدند بدست آوردند. ایشان مشکلی را در تقسیم زمین آب و مساکن حس کردند، و بالاخر بهدایت شيخ ملي یوسفزیهی که پیشوا و مغز فکور این مردم بود، این معضله زندگانی را بصورتی حل کردند، زمین و آب و مساکن و روستاها را با مساوات و برابری مطابق عدد نفوس فامیلهها تقسیم نمودند، ولی این تقسیم برای ده سال معتبر بود، و بعد از هر ده سال باز مطابق افزایش یا کاهش نفوس خانواده ها تجدید میشد.

شيخ ملي قانون گذار فکور و مطاعي بود، که کتابي را بنام "دفتر" بزبان پشتو در بیان همین ريفارم زراعتي و اجتماعي نوشت و دران قواعد این تقسیمات اراضي و آب و مساکن و روستاها را شرح داد. و

همچنین دساتیری را برای تقسیم موقت مراتع وضع نمود. و از اراضی مزروعه آب جاری، بهره هر شخص خانواده را "برخه" می‌گفتند و چندین برخ یعنی حصص افراد، یک" دفتر" را برای یک خانواده تشکیل میداد، و ازین دفترها یعنی حصص چند خانواده یک "تپه" یعنی روستا ساخته میشد، و چندین تپه روستایی، یک "قوم" بود، و این حصص اراضی هم باصول قرعه کشی تعیین میشد، و مالکیت آن هم تا ده سال دوام داشت، و بعد از آن حسب دستور کتاب دفتر شیخ ملی، تقسیم آن بر اساس قرعه تجدید میشد.

در هر تپه، زمین خاص بنام "سیگره" وجود داشت که حاصل آن به منافع عامه مانند مهمان خانه و مسجد و غیره صرف میشد، و حصه زمین هر فرد را بگویی ونا و بعد از تجدید تقسیم ده ساله متگی می‌گفتند. و در تقسیمات منازل هم عین همین ترتیب تساوی اجتماعی مرعی بود، هر تپه چندین چم (محلّه) داشت و هر چم دارای کناره‌های متعددی بود، که هر "کنار هم" اطاقها و صحن داشت، در هر چم یک مسجد و یک حجره (مهمان خانه) و یک برج دفاعی مشترکی موجود بود، و یک "کنار" برای یک خانواده با "برخه" زمین ایشان مطابق عدد نفوس برای ده سال داده میشد، و تمام این سرزمین بین خیبر و دریای سند شش تپه داشت، که تاکنون هم این نامها باقیست (۱) تپه یوسفزایی (۲) تپه محمدزایی (۳) تپه خگیانی (۴) تپه داؤد زبی (۵) تپه خلیل (۶) تپه مهمند.

این دساتیر دفتر شیخ ملی تا آمدن انگلیس هم در کوهساران آن سرزمین معمول بود، ولی در نصف اول قرن ۱۹ چون انگلیسیان برین جا مستولی شدند این ترتیب را بکلی از بین برده و برای تولید ملوکیت طوایف مقامی زمین ها را بایشان تملیک کردند که آنرا "بندوبست" گفته اند. چون بندوبست جدید انگلیسی با تملیک اراضی آغاز شد، مردم مغرض نسخه های پشتوی کتاب دفتر شیخ ملی را که بنای آن بر دساتیر عنعنوی این قبایل در سرزمین قندهار بود از بین بردند. و تاکنون هم در کوهساران سوات باوجود و مهمابنگ ختم دفتر شیخ ملی را مبداء دوره جدید استعمار انگلیس دانند، و مردم گویند فلان واقعه چند سال بعد از دفتر شیخ ملی واقع شده است.

این بود تاریخچه مختصر وضع اجتماعی و ریفارم های زراعتی که در یک دوره تاریخ، در شرق و غرب کشور ما روی داده بود، و از نبوغ مردم و خلاقیت فکری ایشان حکایت میکند.